

عنوان مقاله:

تشیع در خراسان بزرگ

محل انتشار:

پژوهشنامه خراسان بزرگ، دوره 2، شماره 4 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

عبدالرضا فرجی راد

زهرا ساعی

خلاصه مقاله:

«خراسان»، سرزمین کهن و مهد تمدنهایی است که هر یک از آنها افتخاری برای تاریخ بشر محسوب می شود. این سرزمین از هنگامی که تاریخ به یاد دارد تا عصر حاضر، فراز و نشیب های بسیار به خود دیده؛ اما به گونه ای شگفت در برابر رویدادهای سهمگین بر پای ایستاده و بالیده است. در اعصار گذشته، آبادیهای کوچک و بزرگ این سرزمین بستر زایش و رویش اسطوره ها بوده اند و آثار برجای مانده در جای جای این سرزمین پهناور از تاریخ و فرهنگ مردم و سرزمینی سخن می گوید که سهمی عظیمی در تمدن جهانی داشته اند. از نظر جغرافیایی، خراسان در منطقه واقع بود که ایران و کشورهای مدیترانه ای شرقی را با هند از یک سو و ماوراء النهر، ترکستان و چین را از دیگر سو، ارتباط می داد و بنابراین، هم معبر تجارت بود و هم گذرگاه لشکرکشیها و تهاجمات. بدین دلایل نقشه ی مردم شناسی این سرزمین پیچیده شده و این منطقه ملل و اقوام مختلف را با زبان، مذهب و رسم و رواج جداگانه در کنار یکدیگر جای داده است. گرچه به یقین نمی توان محدوده ی مرزهای خراسان آن روزگار را مشخص کرد، اما شاید با معیار قرار دادن نظریه ای که از سوی نویسندگان و مورخانی چون اصطخرانی، ابن حوقل و مقدسی، مرزهای شمالی خراسان را به ماوراء النهر محدود نموده اند و سرزمینهای جنوب منطقه ی جیحون را خراسان نامیده اند، شاید بتوان محدوده ی تقریبی خراسان بزرگ را معین نمود. طبق معیار انتخاب شده ی محدوده ی خراسان بزرگ می بایست شامل: بدخشان، سمنگان، بلخ، جوزجان، غور، بامیان، و هرات در افغانستان کنونی و استانهای سه گانه ی خراسان در ایران تا ابتدای استان سمنان و از شمال غرب تا نواحی گرگان و ابتدای مازندران و در ترکمنستان شامل نواحی جنوبی آن مخصوصا شهر مرو بود.

کلمات کلیدی:

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2028971>

